

فهرست‌های فنی کتاب

۱. فهرست مآخذ و منابع

۱.۱. تفاوت مآخذ و منابع

برخی از استادان نکته‌بین، میان مآخذ و منبع فرق گذارده‌اند. به نظر ایشان مآخذ با مطالب اساسی مرتبط با موضوع پژوهش، ارتباط نزدیک و بدون واسطه دارد؛ مثلاً اگر موضوع پژوهش درباره شاعر یا ادیبی باشد، آثار این ادیب یا دیوان‌های آن شاعر از مآخذ پژوهش به‌شمار می‌آید و آنچه درباره آنان نگاشته شده باشد، منبع محسوب می‌شود.

یا مثلاً اگر پژوهش درباره منطقه‌ای در زمان معین باشد، آنچه در این زمان نگاشته شده و اشعار، خطبه‌ها، وصایا و امثالی که از این زمان به ما رسیده است، از مآخذ پژوهش محسوب می‌شود و آثار پژوهش که درباره این زمان انجام شده، از منابع این پژوهش به‌شمار می‌آید.

بنابراین مآخذ شامل آثار مستند مرتبط با عصری است که به دست ما رسیده است و ما درباره آن عصر پژوهش می‌کنیم. مآخذ ممکن است کتاب، اثر ظاهری، ساختمان یا سند مکتوب باشد. اما منبع، آثاری است که پس از گذشت آن عصر، درباره آن عصر نگاشته شده است و مواد آن برگرفته از مآخذ مختلف مربوط به آن عصر است. هرچه منبع به عصری که شامل آن می‌شود نزدیک‌تر باشد، به مآخذ نزدیکی بیش‌تری دارد و مهم‌تر و دقیق‌تر است، زیرا ما در مورد آرا فقط به منابع مراجعه می‌کنیم، اما مآخذ ما را به شناخت حقایق و آرا هر دو کمک می‌کند. به همین جهت اگر پژوهش‌گر در انجام پژوهش همواره از مآخذ بهره‌جوید، پژوهش ارزش‌مندتر خواهد شد.

برخی آثار هم مآخذ به‌شمار می‌آیند و هم منبع؛ مثلاً کتاب «الکامل فی التاریخ» ابن اثیر، نسبت به مطالبی که از آغاز خلقت تا سال ۶۲۲ هجری (۱۲۳۱ م) می‌آورد، منبع به‌شمار می‌آید و نسبت به مطالبی که درباره سال‌های پایانی قرن ششم

دکتر امیل یعقوب

ترجمه و نگارش هادی ربانی

یکی از ویژگی‌های پژوهش روش‌مند، داشتن فهرست‌های پایانی در کتاب است. هر پژوهشی بدون این فهرست‌ها کامل نخواهد بود. فهرست‌های پایانی فایده‌های بسیاری دارد و یکی از معیارهای مهم ارزیابی پژوهش به‌شمار می‌آید. خواننده به کمک این فهرست‌ها می‌تواند به راحتی مطالب مورد نظر خود را، بدون این‌که نیازی به مطالعه تمام کتاب باشد، بیابد. هم‌چنین این فهرست‌ها، حاکی از تسلط و قدرت پژوهش‌گر و نشان علمی بودن اثر است.

فهرست، انواعی دارد و با توجه به موضوع پژوهش تفاوت می‌کند. در هر پژوهشی نیاز به آوردن تمام اقسام فهرست نیست؛ مثلاً فهرست‌هایی که در پژوهش‌های ادبی ضروری است، ممکن است در پژوهش‌های تاریخی غیر مفید باشد؛ مگر برخی از فهرست‌ها که آوردن آن‌ها در هر پژوهش ضروری است؛ مانند فهرست مطالب، فهرست مآخذ و منابع و فهرست اعلام.

مهم‌ترین فهرست‌ها عبارت‌اند از: ۱- فهرست مطالب ۲- فهرست مآخذ و منابع ۳- فهرست اعلام ۴- فهرست آیات قرآن ۵- فهرست احادیث ۶- فهرست اشعار ۷- فهرست اقوال ۸- فهرست اصطلاحات ۹- فهرست مفاهیم ۱۰- فهرست الفاظ ۱۱- فهرست امثال ۱۲- فهرست رویدادها ۱۳- فهرست نقشه‌ها و ...

برخی از این فهرست‌ها را که اهمیت بیش‌تری دارند با اندکی توضیح می‌آوریم:

و سال‌های نخست قرن هفتم آورده، مآخذ شمرده می‌شود. اغلب آثار بزرگ تاریخی، مانند تاریخ طبری، مروج الذهب مسعودی و تاریخ ابن خلدون نیز این‌گونه‌اند. برخی نیز مآخذ را در معنای وسیع‌تری به کار برده‌اند و آن را بر هر اثری که پیش از رنسانس (۱۷۹۸ م) نگاشته شده اطلاق می‌کنند.

۱.۲. روش تنظیم

مآخذ و منابعی در فهرست پژوهش، رساله یا کتاب می‌آید که پژوهش‌گر به نوعی به آن استناد بجوید و یا مطلبی از آن نقل کند. به همین دلیل آن‌چه را پژوهش‌گر در پدید آوردن پژوهش مطالعه کرده و به آن استناد نجسته است، در فهرست نمی‌آورد. برخی فهرست مآخذ و منابع را به لحاظ انواع آن‌ها تقسیم می‌کنند: ۱- کتاب‌های چاپی ۲- کتاب‌های خطی ۳- پایان‌نامه‌های دانشگاهی ۴- دایرةالمعارف‌ها ۵- معجم‌ها ۶- مقاله‌ها ۷- مقدمه کتاب‌ها ۸- مجله‌ها ۹- روزنامه‌ها ۱۰- گفت و گوهای رادیو تلویزیونی ۱۱- مصاحبه‌ها ۱۲- درس‌ها ۱۳- نامه‌ها ۱۴- اسناد رسمی و ...

تقسیمات هر چه بیش‌تر باشد، دست‌یابی به مآخذ و منابع دشوارتر می‌شود؛ از همین رو باید تا آن‌جا که ممکن است از تعداد تقسیمات کاست و فهرست را به صورت عام‌تر آورد. بنابراین برای تنظیم فهرست مآخذ و منابع دو روش وجود دارد: ۱- قرار دادن یک فهرست برای همه مآخذ و منابع، استفاده از این روش در پژوهش‌های ادبی بهتر است.

۲- مآخذ و منابع به لحاظ انواعی که دارند در فهرست‌های جداگانه تنظیم شوند. استفاده از این روش در پژوهش‌های تاریخی و جغرافیایی مناسب‌تر است.

در هر یک از دو روش، آثار خارجی بدون ترجمه در بخش جداگانه‌ای فهرست و تنظیم می‌شود. هم‌چنین مستقل بودن فهرست نشریات و اسناد بهتر است.

برای مرتب کردن این فهرست‌ها نیز دو روش وجود دارد: - به ترتیب حروف الفبای اول مآخذ و منابع: این روشی است که برخی از مؤلفان در کشورهای اسلامی از آن پیروی می‌کنند. دلیل این گروه مشهور بودن نام کتاب از نام مؤلفان آنان است و اشاره کردن به کتاب گویاتر از اشاره به پدیدآورنده آن است.

- به ترتیب حروف الفبای نام پدیدآورنده: این ترتیب روش پژوهش‌گران غربی است. اغلب پژوهش‌گران معاصر نیز از این روش پیروی می‌کنند. چه بسا این روش مناسب‌تر باشد، زیرا جهانی است. هم‌چنین شهرت پدیدآورندگان کم‌تر از

شهرت آثارشان نیست. به علاوه معمولاً عنوان آثار را بیش‌تر از پدیدآورندگان آن‌ها نمی‌شناسیم.

در این روش، نخست نام مؤلف، به صورت معکوب (نام خانوادگی، نام) و سپس سایر مشخصات می‌آید.

● کتاب

نام خانوادگی، نام، **عنوان**، محقق یا مترجم، محل نشر: ناشر، تاریخ نشر، نوبت چاپ، تعداد صفحه یا جلد.

● مقاله

نام خانوادگی، نام، **عنوان مقاله**، نام روزنامه یا مجله، دوره یا سال انتشار، شماره، تاریخ.

● پایان‌نامه

نام خانوادگی، نام، **عنوان پایان‌نامه**، عبارت «پایان‌نامه فوق‌لیسانس یا دکترا»، استاد راهنما، استاد مشاور، نام دانشگاه، نام دانشکده، تاریخ.

● گفت و گوهای رادیو تلویزیونی

نام خانوادگی، نام، **عنوان برنامه**، تاریخ برنامه به روز، ماه و ساعت.

● اسناد دولتی

نام کشور، نام مؤسسه‌ای که سند در آن نگه‌داری می‌شود، شماره دوره یا جلسه (اگر سند مجلس نمایندگان و یا مانند آن باشد)، **عنوان سند**، مکان انتشار، شماره انتشار، تاریخ انتشار، از ص - ص.

۱.۳. نکاتی در تنظیم مآخذ و منابع

۱- توضیحات در میان دو قلاب آورده می‌شود.

۲- کتاب‌های چند جلدی که هر مجلد آن جداگانه منتشر شده باشد، نخست تاریخ انتشار جلد اول با خط تیره‌ای در کنار و سپس تاریخ انتشار جلد آخر آورده می‌شود.

۳- اگر کتاب بیش از یک مؤلف داشته باشد، نام مؤلفان را به دو صورت می‌توان آورد:

الف - نام هر مؤلف به صورت معکوب (نام خانوادگی، نام شخص) آورده می‌شود و میان هر یک از مؤلفان علامت ویرگول نقطه (!) قرار می‌گیرد.

ب - نام مؤلف اول به صورت معکوب آورده می‌شود و به جای سایر مؤلفان سه نقطه گذارده می‌شود.

روش دوم برتر است؛ به خصوص اگر مؤلفان بیش از سه نفر باشند. اگر مترجمان و محققان نیز بیش از یک نفر باشند، همین‌گونه عمل می‌شود، بدون آن‌که قلبی در نام آن‌ها صورت گیرد.

۴- اگر نام مؤلف در کتاب نیامده باشد، به جای نام مؤلف،

صفحات بسیاری بطلبید، در فصل مستقلی نخست به مآخذ و سپس به منابع پرداخته شود. در این صورت آثار براساس زمان تألیف، طبقه‌بندی می‌شوند. در این فصل گزارش کوتاهی از مآخذ و منابع ارائه می‌شود. این گزارش حاوی نحوه ارتباط میان مآخذ و منابع با موضوع پژوهش است و نظریات، اسلوب و واقع‌بینی مآخذ و منابع مورد بررسی قرار می‌گیرد. هم‌چنین به تعداد استفاده از مآخذ و منابع در پژوهش، و مطالبی که پژوهش‌گر هم‌نظر با آنهاست و یا مخالف آن است و ... نیز اشاره می‌شود.

۲- فهرست اعلام

در فهرست اعلام نام‌های موجود در متن پژوهش آورده می‌شود. نام، لفظی است که بدان شخص یا چیزی را بخوانند؛ بدون آن‌که برای شناخت مسمای آن نیازی به قرینه باشد. نام به اعتبار تشخص و عدم تشخص معنای آن به خاص^(۱) و عام^(۲) تقسیم می‌شود؛ خاص مانند سعید و عام مانند شیر، و به اعتبار لفظ به مفرد^(۳) و مرکب^(۴) تقسیم می‌گردد؛ مفرد مانند وحید و مرکب مانند عبدالله. هم‌چنین نام به اعتبار دلالت، به اسم و لقب^(۵) و کنیه^(۶) تقسیم می‌شود؛ اسم مانند کاظم و لقب مانند زین‌العابدین و کنیه مانند ابوالحسن.

در فهرست اعلام تمامی نام‌های موجود در اثر آورده می‌شود؛ اعم از نام اشخاص، قبایل، مکان‌ها، حیوانات، گیاهان و ... برخی فهرست اعلام را به چند بخش تقسیم می‌کنند: ۱- فهرست اشخاص، ۲- فهرست قبایل، ۳- فهرست مکان‌ها و ... در پژوهش‌های دانشگاهی مشترک بودن فهرست اعلام توصیه می‌شود؛ مگر آن‌که در پژوهش یا کتابی، فهرست اعلام موجب ضخامت بیش از اندازه حجم آن شود.

فهرست اعلام به ترتیب حروف الفبا تنظیم می‌گردد که به دو صورت انجام می‌گیرد: به ترتیب نام خانوادگی - این روش در کشورهای غربی مرسوم است - و یا به ترتیب نام شخصی. به نظر ما روش نخست برتر است؛ چون این روش در محافل علمی جهان بیش‌تر معمول است. به هر طریق که عمل شود، نام‌هایی

۱. نامی است که بر فرد مخصوص و معین دلالت کند.

۲. نامی است که شامل اشخاص یا اشیای هم‌جنس می‌شود.

۳. نامی است که دارای بیش از یک جزء معنادار نباشد.

۴. نامی است که در عین برخورداری از مفهوم واحد، بیش از یک جزء داشته باشد.

۵. نامی است که دلالت بر مدح یا ذم شخص کند.

۶. نامی است غیر از اسم اصلی شخص که به منظور تعظیم و تکریم می‌آورند و در آغاز آن لفظ اب یا ابن یا ام یا بنت می‌آید.

کلمه «مجهول» گذارده می‌شود؛ اما در صورتی که پژوهش‌گر نام مؤلف را بشناسد، آن را در میان دو قلاب [] می‌آورد.

۵- مؤلفان قدیمی که نام مشهور آن‌ها شناخته شده‌تر است، نام اصلی آن‌ها را در میان دو پرانتز می‌آوریم؛ مانند شیخ طوسی (ابوجعفر بن الحسن).

۶- اگر کتابی با نام مستعار چاپ شده باشد، همان نام مستعار را فقط در محل نام مؤلف قرار می‌دهیم؛ اما اگر نام حقیقی مؤلف را بشناسیم، نخست نام مستعار را می‌آوریم و بعد نام اصلی مؤلف را در میان دو قلاب [] قرار می‌دهیم؛ مانند ه. ا. سایه [هوشنگ ابتهاج].

۷- ذکر نوبت چاپ کتاب مهم است، چون صفحات کتاب گاهی در چاپ‌های مختلف تغییر می‌کند. هم‌چنین لازم است بهترین و جدیدترین چاپ، مورد استفاده قرار گیرد، و هرگاه پژوهش‌گر ناچار به استفاده از دو چاپ باشد، اشاره به هر دو چاپ لازم است.

۸- عنوان کتاب باید به صورت کامل ثبت شود؛ اگرچه به صورت کامل روی جلد کتاب نیامده باشد. هم‌چنین کتاب در صورت داشتن عنوان فرعی، آوردن آن نیز لازم است؛ البته آن‌گاه که بتوان از طریق عنوان فرعی به محتوای کتاب آگاهی بیش‌تری دست یافت.

۹- اگر کتابی ناشر آن بیش از یکی باشد و یا محل چاپ آن متفاوت باشد، بهتر است همه ناشران و یا محل‌های چاپ آورده شود. یا می‌توان به مهم‌ترین ناشر و محل چاپ اشاره کرد، و یا ناشر و محل چاپی که نخست آمده، آن را آورد.

۱۰- در صورت نبودن نام ناشر، نام چاپ‌خانه به جای آن آورده می‌شود، و اگر هر دو در کتاب نیامده باشد، نوشته می‌شود: [بی‌نا].

۱۱- اگر نام ناشر و محل نشر در کتاب نیامده باشد و پژوهش‌گر از آن آگاه باشد، آن‌ها را میان دو قلاب [] می‌آورد.

۱۲- اگر مؤلف بیش از یک کتاب داشته باشد، نام آثار مؤلف یا به ترتیب حروف الفبای نام کتاب‌ها می‌آید و یا به ترتیب زمان تألیف کتاب‌ها براساس چاپ اول هر کتاب. نام مؤلف نیز فقط یک بار همراه با کتاب اول می‌آید. در کتاب‌های بعدی به جای نام مؤلف خط تیره گذارده می‌شود.

۴.۱. ارزیابی مآخذ و منابع

خوب است پژوهش‌گر مآخذ و منابعی را که در پژوهش به آن‌ها استناد می‌جوید، ارزیابی نماید. این ارزیابی در مقدمه پژوهش انجام گیرد. البته بهتر است در صورتی که این کار

۵- نامی که در چند صفحه تکرار شده باشد، نخست شماره کوچک تر و بعد شماره صفحات دیگر به ترتیب به دنبال آن می آید و در میان شماره صفحات خط تیره گذاشته می شود؛ مانند:

ارسطو ۶۰، ۷۱، ۹۵، ۱۵۰

۳. فهرست آیات

در پژوهش های دینی، نحوی، لغوی و ... فهرست آیات قرآن ضروری و بسیار مهم است. فهرست آیات براساس ترتیب آن ها در سوره ها، تنظیم می یابند: فاتحه، بقره، آل عمران، نساء، مائده، انعام، اعراف، انفال، توبه، یونس و ... تنظیم فهرست آیات قرآن چنین است. نام سوره، شماره آن، آیه، شماره آیه، شماره صفحه ای که آیه در آن آمده است؛ مانند:

سوره	شماره سوره	آیه	شماره آیه	صفحه
آل عمران	۳	ان الدین عندالله الاسلام	۱۹	۲۵
ابراهیم	۱۴	و يضرب الله الامثال للناس	۲۵	۵۴
کهف	۱۸	و قل الحق من ربکم	۲۹	۱۲۲
الزمر	۳۹	قل هل یتوی الذین یعلمون و	۹	۳۷، ۲۰
فصلت	۴۱	ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات	۸	۱۱

۴. فهرست احادیث

فهرست احادیثی که در متن پژوهش به کار رفته است، براساس الفبای آغاز آن ها تنظیم می گردد و در برابر هر حدیث شماره صفحه ای که حدیث در آن صفحه آمده، قرار می گیرد. یادآوری این نکته لازم است که در تنظیم فهرست احادیث الف و لام آغاز احادیث در نظر گرفته نمی شود و حرف پس از الف و لام ملاک قرار گرفتن در فهرست است.

۵۱	اطلبوا العلم ولو بالصین
۲۵	إعقل و توکل
۱۲۰	إنما الاعمال بالنیات
۷۳	الجنة تحت اقدام الأمهات
۳۴۵	الكبائر: الاشراک بالله، و عقوق الوالدین، و ...
۹۸	المؤمن لا یؤارب

۵. فهرست اشعار

شعر سخن موزون و غالباً دارای قافیه است که حاکی از احساس و تخیل باشد. اشعار به کار رفته در متن پژوهش در فهرستی هم چون فهرست احادیث به ترتیب الفبای آغاز آن ها مرتب می شوند و شماره صفحه ای که شعر در آن صفحه به کار رفته در

که لفظ ابن، اب و ام در آغاز آن ها می آید، در فهرست اعلام در حرف الف در جای خود تنظیم می گردد؛ اما اگر این نام ها، - ابن، اب و ام - در میان دو علم آمده باشد، در فهرست اعلام قرار نمی گیرد.

در فهرست اعلام نامی که مشهورتر است، مورد استفاده قرار می گیرد و نام اصلی داخل پرانتز می آید؛ مانند شیخ طوسی (ابوجعفر محمد بن الحسن). اما اگر کسی به هر دو نام شهرت داشته باشد، هر دو نام در فهرست اعلام قرار می گیرد. نامی که مشهورتر است شماره صفحه در مقابل آن آورده می شود و نام دیگر به نام مشهورتر ارجاع داده می شود؛ مانند:

صدرالدین شیرازی ← ملاصدرا

۲۵، ۴۷، ۸۹، ۱۵۱

ملاصدرا

فهرست اعلام را در حالی به پایان می رسانیم که در مقابل نام ها، شماره صفحه ای که در آن ها آمده اند، می آوریم.

گفتنی است در صورتی که نامی در پژوهش بسیار تکرار شده باشد، هم چون که گویی آن موضوع پژوهش است، در این صورت می توان از آوردن آن در فهرست اعلام صرف نظر کرد، البته اشاره به این نکته لازم است.

چند نکته

۱- در نام های خارجی بهتر است در مقابل نام، لاتین آن نیز نوشته شود.

۲- به منظور صرفه جویی در کاغذ، بهتر است فهرست اعلام به شکل دو ستون عمودی در هر صفحه آورده شود.

۳- در صورتی که شرح حال کسی در متن یا در حاشیه پژوهش آمده باشد، در فهرست اعلام در مقابل شماره صفحه ای که شرح حال در آن صفحه آمده است، ستاره یا علامت پیگیری قرار می گیرد. علامت ستاره در فهرست اعلام بدین معناست که برای آگاهی از شرح حال آن نام باید به کدام صفحه مراجعه کرد.

۴- در تنظیم فهرست اعلام الف و لام نام ها در نظر گرفته نمی شود و حرف پس از الف و لام ملاک قرار گرفتن در فهرست اعلام است. هم چنین چنانچه در نوشتن نامی چند صورت ممکن باشد - مانند هارون، اسحاق، عبدالله، طه - اگر نام رسم الخط واحدی داشته باشد، از آن پیروی می کنیم؛ مانند طه. اما چنانچه نام به دو شکل مختلف نوشته می شود - مانند هارون، هرون و اسحاق، اسحق - در این حال هر دو صورت در فهرست اعلام می آید. در مقابل آن که مشهورتر است، شماره صفحه قرار می گیرد و دیگری به مشهورتر ارجاع داده می شود؛ مانند:

۵۷، ۱۰۵، ۲۰۹

هارون

هارون ← هارون

کنار مصرع دوم هر بیت قرار می‌گیرد؛ مانند:

بر بساط نکته‌دانان خودفروشی شرط نیست

- یا سخن دانسته‌گوی ای مرد عاقل یا خموش ۲۹
 به کوی عشق بی‌دلیل ره منه قدم
 که من به خود نمودم صد اهتمام و نشد ۳
 به نزد من آن کس نکوخواه تست
 که گوید فلان خار در راه توست ۴۲
 دلا در عاشقی ثابته قدم باش
 که در این ره نباشد کار بی‌اجر ۱۷
 سعی نابرده در این ره به جایی نرسی
 مزد اگر می‌طلبی طاعت استاد ببر ۴۱

۷. فهرست مطالب

آوردن این فهرست در هر پژوهش یا کتابی لازم است. فهرست مطالب شامل عناوین باب‌ها، فصل‌ها، بخش‌ها و ... است؛ همراه با شماره صفحه در مقابل آن‌ها. این فهرست می‌تواند در آغاز پژوهش قرار گیرد و یا در پایان آن. در این فهرست آوردن همه عناوین موجود در پژوهش لازم است، اعم از این‌که عنوان اصلی باشد یا فرعی.

عناوین اصلی در یک ردیف و عناوین فرعی با اندکی تورفتگی آورده می‌شود. برخی، عناوین اصلی را شماره‌گذاری می‌کنند و عناوین فرعی را با شماره‌ای فرعی با مقداری تورفتگی در کنار شماره عناوین اصلی قرار می‌دهند؛ مانند فهرست ذیل.

فهرست مطالب

۹.....	۱
۱۴.....	۱.۱
۱۸.....	۲.۱
۲۵.....	۱.۲.۱
۳۱.....	۲.۲.۱
۴۰.....	۳.۱
۴۸.....	۲
۵۹.....	۱.۲
۶۷.....	۱.۱.۲
۷۶.....	۲.۱.۲
۸۵.....	۳.۱.۲
۹۳.....	۲.۲
۱۰۶.....	۳
۱۱۸.....	۱.۳
۱۲۹.....	۲.۳
۱۳۷.....	۳.۳
۱۴۳.....	۱.۳.۳
۱۵۲.....	۲.۳.۳
۱۶۷.....	۳.۳.۳
۱۸۰.....	۴.۳.۳

۶. فهرست اصطلاحات

اصطلاحات مجموعه‌ای از کلمات تخصصی و فنی در هر رشته‌ای از علوم است و آن لفظی است که در هر علمی معنای خاصی، غیر از معنای لغوی، برای آن در نظر می‌گیرند. در نحو مانند مسند، مسندالیه، مبتداء، خبر، فاعل، مفعول و ... در بیان مانند حقیقت، مجاز، تشبیه، کنایه، استعاره و ... در فلسفه مانند ماهیت، وجود، علت، معلول، قوه، فعل و ...

فهرست اصطلاحات معمولاً در پژوهش‌های اختصاصی آورده می‌شود؛ مانند: نحو، عروض، بیان، فلسفه، کلام، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و ...

در این فهرست، اصطلاحات براساس الفبای آغاز آن‌ها تنظیم می‌گردد و در برابر هر اصطلاح شماره صفحه‌ای که اصطلاح در متن پژوهش به کار رفته می‌آید. برخی نیز پیش از آوردن شماره صفحه، تعریفی از اصطلاح ارائه می‌دهند. چنین کاری بر ارزش پژوهش می‌افزاید و در واقع فهرست اصطلاحات را به فرهنگ کوچکی در موضوع خود تبدیل می‌کند، مانند: (۱)

اتحاد	۱۴۰، ۵۵، ۵۰
اختیار	۲۷۸، ۲۷۶، ۱۹۶، ۸۳
استدلال	۳۵۵، ۲۵۰، ۱۵۰، ۹۷، ۷۹، ۷۱، ۴۹، ۱۰
بسیط	۳۰۶، ۲۶۱
پدیدارشناسی	۱۷۷
تأویل	۳۵۱، ۲۵۸، ۲۳۱، ۲۳۰، ۲۱۰، ۲۰۹، ۱۲۰، ۱۱۸
تباین	۳۸۶، ۳۵۸، ۳۵۷، ۲۳۶، ۱۷۴، ۱۵۳، ۴۲، ۲۵
جواهر	۱۴۲، ۱۳۴، ۷۶
حاذق	۳۳۰، ۳۲۳، ۲۴۱
ذهن	۱۰۹، ۱۰۶، ۶۳، ۳۰

۱. این فهرست از کتاب «ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام» نوشته دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، ص ۴۱۲-۴۲۸ گرفته شده است.